

از دیدگاه امنیتی، در بین همسایگان ایران که امروز تعداد آنها به‌حدود ۱۵ کشور می‌رسد، عراق طی سه دهه اخیر بیشترین هزینه‌های امنیتی، نظامی و دفاعی را بر ایران تحمیل کرده است و هنوز هم بخش عمده‌ای از نیروهای مسلح ایران در مرزهای مشترک با عراق مستقر هستند.

دوران ۸ساله دفاع مقدس، با تکیه بر استراتژی ویژه وضعیت جنگی اداره شد اما اکنون که ۱۴ سال از پایان جنگ می‌گذرد و دوران پس از آتش‌بس و پیش از امضای قرارداد صلح است، استراتژی روابط با عراق، متفاوت از دوران جنگ باید طرح‌ریزی و اجرا شود. اصول و محورهای کلی این استراتژی کدامند؟ این استراتژی برای رسیدن به کدامین اهداف تدوین و اجرا می‌شود؟ راهکارها و دستور کارهای اجرایی این استراتژی در سطوح مختلف کدامند؟ و وظایف هر یک از نهادها و دستگاه‌های کشور در چارچوب این استراتژی و دستور کارها چیست.

این نوشتار، ضمن نقد معایب و کاستی‌های موجود در این زمینه به بهانه معرفی‌کاردار جدید ایران درعراق، به‌طور خلاصه و در چارچوب اشاره به‌محورها و اصول کلی درصدد طرح برخی از مسائل اساسی و فراهم ساختن مقدمات بحث و اتخاذ تصمیمات کارشناسی توسط مراجع ذی‌ربط در مسأله روابط ایران و عراق است.

استراتژی کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (حداقل بعد از دوم خرداد ۷۶) مبتنی بر بهبود موقعیت بین‌المللی ایران به ویژه در حوزه‌های راهبردی نظیر روابط با اتحادیه اروپا، جهان عرب و همسایگان بوده است. طبق این استراتژی، خروج از شرایط نامساعد بین‌المللی و کاهش سطح چالش با قدرت‌های بزرگ اتحادیه اروپا، قدرت‌های منطقه‌ای جهان عرب، همسایگان و قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای خارج از اتحادیه اروپا نظیر روسیه، هند، چین، ژاپن، آفریقای جنوبی و… اولویت‌های مهم سیاست خارجی کشور بوده‌اند.

این استراتژی ممکن است مدون و مکتوب نباشد و در عرصه عملیاتی و به تدریج شکل گرفته باشد و از سوی دیگر میزان تحقق آن در حوزه‌های فوق‌الذکر متفاوت باشد. نکته دیگر آن‌که این استراتژی و سیاست‌های اجرایی ناشی از آن در حوزه‌های راهبردی فوق‌الذکر، دارای ارتباط تفکیک‌ناپذیری با وضعیت روابط ایران و ایالات متحده آمریکا است.

در چنین چارچوب راهبردی، پس از سفرهای رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به ایتالیا، فرانسه، آلمان، یونان و اتریش و توسعه روابط با انگلیس به سطح سفیر، در حوزه جهان عرب نیز شاهد تحول مشابهی هستیم. توسعه روابط با عربستان، نزدیک شدن به سطح از سرگیری روابط با مصر، و عادی‌سازی روابط با الجزایر از جمله دستاوردهای این استراتژی است. البته در سطوح دیگر این دستاوردها در روابط با جهان عرب می‌توان به بهبود روابط با دولت‌هایی نظیر کویت، قطر و امارات اشاره کرد. از سوی دیگر مجموعه تحركات سیاست خارجی و دفاعی ایران در این حوزه، باعث نگاه جدید امارات متحده عربی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس و متحدول شدن وضعیت حاکم بر چالش ایران و امارات در منطقه شده است.

در دو حوزه راهبردی رابطه با اتحادیه اروپا و جهان عرب (به استثنای عراق) هزینه و فایده اجرای این استراتژی با توجه به اصل کلی «عبور از چالش‌های خرد و منافع جزئی و موردی به نفع بهبود موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای ایران» نگریده شده است. با این وجود در حوزه همسایگان به دلیل ملموس‌تر بودن منافع ملی و تأثیرات تعیین‌کننده‌تر مسائل دوجانبه در منافع و امنیت ملی، میزان پیشرفت این استراتژی کلی به حل و فصل دقیق‌تر مشکلات دوجانبه با همسایگان متکی شده است. به‌عنوان مثال در حوزه روابط با الجزایر، مصر و عربستان، موضوع حساسیت ایران به سرنوشت برخی نهضت‌ها در قیاس با بهبود موقعیت بین‌المللی ایران از اهمیت کمتری برخوردار است و تغییر

در دو حوزه راهبردی رابطه با اتحادیه اروپا و جهان عرب (به استثنای عراق) هزینه و فایده اجرای این استراتژی (بهبود موقعیت بین‌المللی ایران) با توجه به اصل کلی «عبور از چالش‌های خرد و منافع جزئی و موردی به نفع بهبود موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای ایران» نگریده شده است. با این وجود در حوزه همسایگان به دلیل ملموس‌تر بودن منافع ملی و تأثیرات تعیین‌کننده‌تر مسائل دوجانبه در منافع و امنیت ملی، میزان پیشرفت این استراتژی کلی به حل‌وفصل دقیق‌تر مشکلات دوجانبه با همسایگان متکی شده است

روش ایران در حمایت از این گروه‌ها خطری اساسی علیه امنیت ملی ایران نبوده است. در مقابل، کشوری همانند مصر نیز ممکن است در در مسأله جزایر ادیباتی متفاوت از گذشته انتخاب کرده باشد و از تحریک آشکار ایران در موضوع جزایر سه‌گانه خودداری ننماید.

در حوزه روابط با اتحادیه اروپا نیز تعامل تهران -لندن در مسأله سلمان رشدی به‌گسترش روابط انگلیس و ایران کمک کرد بدون آن‌که اصول وامنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید و خدشه قرار گیرد.

با این وجود در حوزه روابط با همسایگان و از جمله عراق حل و فصل مسائل و مشکلات دوجانبه به‌طور مستقیم به امنیت ملی ایران مربوط می‌شود و بدون پیشرفت در حل این مشکلات و چالش‌ها، نه تنها سطح توسعه روابط فی‌مابین محدود خواهد بود بلکه منافع و امنیت ملی نیز به دست نخواهد آمد. به عبارت دیگر در مورد همسایگان نمی‌توان با هدف دستیابی‌به بهبود موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از



به بهانه معرفی‌کاردار جدید ایران در عراق وگام‌های جدید دولت اصلاحات در حوزه روابط با همسایگان

توسعه روابط

بر اساس الزامات همسایگی

مراد ویسی

و هنوز تجربه‌ای در صادرات یا واردات از این کشورها ندارد.

با این وجود عراق حتی قبل از لغو تحریم‌ها به خرید برخی کالا‌های بهداشتی و مصرفی نیازمند است و ایران به ویژه استان‌های مرزی ما در این حوزه از توانایی مطلوب صادراتی برخوردارند. بعد از لغو تحریم‌ها نیز ایران به دلیل برخورداری از شرایط همسایگی و امکانات ترابری بهتر (در حوزه زمینی)از توانایی صادرات کالا و حتی فن‌آوری مهندسی برخوردار است. این گونه صادرات در شرایط کنونی در سطح محدود وجود دارد، اگر چه از قاچاق دام، آرد و دارو به عراق نیز نباید غافل بود که درآمد آن نصیب خزانه دولت نمی‌شود اما تأثیر جدی در اقتصاد مرزنشینان دارد.

از منافع قابل پیگیری ایران در زمینه توسعه روابط با عراق، مسأله اسرا و اجرای بندهای باقیمانده قطعنامه ۵۹۸است. بهبود روابط با عراق به حل مسأله معدود اسیران باقی‌مانده ایرانی و تعیین وضعیت مفقودان و استرداد پیکرهای شهدای مدفون درعراق کمک خواهد کرد.

در زمینه قطعنامه ۵۹۸، مهمترین مسأله پرداخت غرامت است. عراق حتی در صورت بهبود روابط، حاضر به پرداخت خسارات سنگین جنگ نخواهد شد. پرداخت خسارت همانند

جنگ کویت، مستلزم فشار بین‌المللی است اما در شرایط کنونی چنین فشاری وجود ندارد و درآینده قابل پیش‌بینی نیز نمی‌توان به پیدایش آن امیدوار بود. با این وجود،بهبود توسعه روابط در زمینه تعیین مرزهای دو کشور و علامت‌گذاری و میله‌گذاری آنها طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، برای ایران دارای دستاورد سیاسی و امنیتی است. از سوی دیگر خروج از وضعیت نه جنگ و نه صلح به افزایش اطمینان و امنیت ساکنان مناطق و استان‌های مرزی که لازمه و مقدمه رواج و طبیعی شدن زندگی اجتماعی و اقتصادی در این مناطق است، کمک خواهد کرد. نامنی ذهنی و عملی حاصل از وضعیت نه جنگ و نه صلح، در شرایط کنونی مخل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان این مناطق است. این مسأله همچنین باعث فقدان امنیت برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی شده و دارای نقش مؤثر در عدم اشتغال و نرخ بیکاری نگران‌کننده در استان‌هایی نظیر کرمانشاه ایلام و خوزستان و در شهرهایی نظیر خرمشهر شده است.

استراتژی همکاری با آمریکا علیه عراق

آمریکا درصدد بهره‌گیری از همکاری ایران در تغییر

غیراروپایی و جهان عرب؛ عراق در توسعه روابط دوجانبه با ایران در پی حل مشکلاتی است که با حل و فصل آنها قدرت مانور امنیتی و اقتصادی بغداد افزایش خواهد یافت. یکی از نتایج توسعه روابط با ایران برای عراق، افزایش قدرت مانور عراق در برابر فشارهای آمریکا است. عراق از توسعه روابط با ایران در پی فراهم ساختن مغذی برای نفس کشیدن سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. توسعه روابط با ایران از نگاه عراق یعنی فراهم شدن شرایط مساعدتر برای افزایش صادرات و از جمله نفت و زمینه‌ای برای واردات ارزان‌تر به ویژه در حوزه کالاهای بهداشتی، مصرفی و مایحتاج اولیه مردم. از سوی دیگر اگر بهبود روابط منجر به افزایش میزان زائران عتبات عالیات شود، عراق از درآمد بیشتری برخوردار خواهد شد. فراهم شدن شرایط کشتیرانی

در اروند رود و از جمله لایروبی این آبراه نیز بیش از ایران به نفع عراق است، زیرا عراق برخلاف ایران به علت کمبود بنادر از قدرت جایگزینی بنادر برخوردار نیست.

منافع ایران از توسعه روابط با عراق

ایران از بهبود و توسعه روابط با عراق، کمتر از بغداد سود خواهد بود اما این به‌معنای نامطلوب بودن بهبود روابط با عراق نیست. بهبود و توسعه روابط با عراق برای ایران نیز دارای دستاورد‌هایی است.

ایران در وهله نخست در پی خروج از وضعیت نه جنگ نه صلح با عراق (بر اساس دو سند بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر و قطعنامه ۵۹۸) به‌عنوان یک نیاز دفاعی و امنیتی است. بهبود روابط با قدرت‌های بزرگ اروپایی و غیراروپایی و قدرت جهان عرب، بدون رفع چالش با همسایگان و از جمله عراق؛ زنجیره‌ای کامل نخواهد بود. تداوم وضعیت نه صلح نه جنگ دارای هزینه‌های امنیتی و دفاعی بسیاری برای ایران است و تحمل این هزینه‌ها بیش از آنچه که در ۱۴ سال پس از پایان جنگ تحمل شده، به صرفه نیست.

در حوزه منافع اقتصادی، ایران منافع چندانی از توسعه روابط با عراق کسب نخواهد کرد. اقتصاد دو کشور وضعیت هم تکمیلی ندارد و عمدتاً بر پایه صادرات نفت استوار است. در کوتاه مدت به دلیل مسأله تحریم‌ها و کمبود گذرگاه‌های صادراتی، عراق به صادرات از طریق مرزهای دریایی و زمینی ایران نیازمند است اما در دراز مدت و به‌طور طبیعی ایران گذرگاه صادراتی عراق نیست. گذرگاه‌های صادراتی مهم عراق؛ ۱-خلیج فارس ۲- اردن و بندر عقبه ۳-عربستان به دریای سرخ ۴-سوریه به دریای مدیترانه ۵-ترکیه به دریای مدیترانه هستند. ایران می‌تواند و ممکن است گذرگاه صادراتی عراق به آسیای مرکزی باشد اما از زمانی که کشور‌های آسیای مرکزی به استقلال رسیده‌اند، عرف گرفتن مسأله تحریم‌ها بوده است

رژیم سیاسی عراق است. این تمایل یا متوجه بهره‌گیری از همکاری مستقیم ایران و نیروهای عراقی تحت تأثیر ایران است و یا خواهان سکوت، عدم واکنش و مداخله ایران در برابر یک طرح آمریکایی برای سرنگونی صدام است. برخی از صاحب نظران داخلی با اعتقاد به تاریخی بودن دشمنی ایران و عراق و اولویت قائل شدن برای خطر صدام نسبت به آمریکا از نظریه همکاری با آمریکا علیه عراق و یا سکوت در برابر طرح سرنگونی صدام دفاع می‌کنند. از سوی دیگر برخی از صاحب نظران معتقدند که آمریکا با نزدیکی به ایران درصدد حفظ هژمونی خود در منطقه است. در واقع آمریکا در صدد اجرای مدل امنیتی مد نظر خود در منطقه است مدلی که خلاف منافع و امنیت ملی ایران و عراق طراحی و اجرا می‌شود. علاوه بر این برخی از کارشناسان سیاست خارجی که مسأله عراق را از زاویه ایران و آمریکا نگاه می‌کنند، معتقدند که آمریکا از طریق ارائه پیشنهاد همکاری با ایران علیه عراق، درصدد باز کردن باب گفت و گو با ایران است. آمریکا در شرایطی که با عدم تمایل مسؤولان ارشد ایران برای مذاکره با واشنگتن روبه‌رو شده است، سعی می‌کند از طریق جلب همکاری ایران در مسأله عراق، ضمن القای منافع این تبانی درحذف صدام، زمینه عملی ورود به مذاکره با ایران در سایر حوزه‌ها را باز نماید.

این سناریو به دلیل موضع رسمی کنونی جمهوری اسلامی ایران با همکاری ایران- آمریکا فاقد زمینه‌های عملی در حوزه همکاری با آمریکا است.

استراتژی همکاری با عراق علیه آمریکا

عراق خواهان بهره‌گیری ابزاری از پتانسیل ضدآمریکایی انقلاب، نظام و مردم ایران، جهت مقابله با فشارهای آمریکا علیه بغداد است. ایران همانند عراق مخالف حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس است اما مبنای این حضور را با عملکرد عراق در منطقه طی دو دهه گذشته مرتبط می‌داند. سطح چالش ایران با آمریکا اگر چه عمیق‌تر است اما از نظر عملیاتی بالفعل‌تر از چالش عراق و آمریکا نیست. عراق بیش از ایران به همکاری محور تهران -بغداد علیه آمریکا نیازمند است. از سوی دیگر ایران اعتماد لازم را به همکاری با عراق ندارد. عراق نه تنها درصدد است از همکاری با ایران در راستای کاهش فشارهای آمریکا علیه بغداد بهره‌برداری کند، بلکه بارها آمادگی خود را برای همکاری با آمریکا علیه ایران اعلام کرده است. علاوه بر این، عراق به کرات سعی کرده است، ایران را خطر عمده جهان عرب معرفی کند و بر ضرورت مهار مشترک ایران در یک پروسه همکاری با سایر اعراب تأکید کند.

همکاری با عراق علیه آمریکا به دلایل فوق قابل شکل‌گیری نیست اما بهبود و توسعه روابط با عراق علاوه بر منافع دوجانبه، بستری برای مانور در روابط با قدرت‌های عمده جهان عرب و کشورهای عضو شورای همکاری خواهد بود.

استراتژی توسعه روابط بر اساس الزامات همسایگی

برخی صاحب نظران، کارشناسان، مسؤولان، سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با مسأله عراق معتقدند که با توجه به عدم اعتماد به رژیم عراق و از سوی دیگر فقدان اراده نظام برای همکاری با آمریکا علیه عراق، استراتژی روابط ایران با عراق تا زمان تغییر رژیم عراق یا حذف صدام، باید مبتنی بر توسعه روابط با عراق بعنوان یک همسایه بدون اتحاد با این کشور باشد. متغیرهایی که این استراتژی براساس آنها استوار شده است، عبارتند از:

الف: همسایگی عراق و ایران -همسایگی ایران و عراق دربردارنده برخی ضرورت‌های غیرانتخابی و اجباری برای دو کشور است. تداوم چالش فعال بین عراق و ایران به عنوان دو همسایه، موجب صرف انرژی و توان اقتصادی، نظامی و امنیتی دو کشور است و دو کشور در دراز مدت توانایی تحمل هزینه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی ناشی از وضعیت نه جنگ و نه صلح و تداوم استقرار گسترده نیروهای مسلح در مرزهای مشترک را ندارند و زندگی طبیعی ایرانیان و عراقی‌های ساکن مناطق مرزی نیز نمی‌تواند در شرایط بلاکلیفی ناشی از وضعیت نه جنگ

در حوزه روابط با همسایگان و از جمله عراق حل و فصل مسائل و مشکلات دوجانبه به‌طور مستقیم به امنیت ملی ایران مربوط می‌شود و بدون پیشرفت در حل این مشکلات و چالش‌ها، نه تنها سطح توسعه روابط فی‌مابین محدود خواهد بود بلکه منافع و امنیت ملی نیز به دست نخواهد آمد. به عبارت دیگر در مورد همسایگان نمی‌توان با هدف دستیابی‌به بهبود موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از مسائل دو جانبه عبورکرد

و نه صلح باقی بماند.
ب: حیات صدام و بقای رژیم بعث عراق- جمهوری اسلامی ایران نه از حیات صدام خرسند است و نه از بقای رژیم بعث عراق، با این وجود در شرایطی که رژیم بعث عراق به‌عنوان یک بازیگر و یک واقعیت در عرصه سیاست داخلی عراق و منطقه وجود دارد و صدام در رأس ساختار تصمیم‌گیری این رژیم قرار دارد، نمی‌توان بدون توجه به این دو متغیر، استراتژی روابط با عراق را تعیین و مدون کرد.

سیکل زمانی این استراتژی از دوره کنونی تا زمان تغییر و تحول در یکی از دو متغیر «وضعیت شخصی و سیاسی صدام» و «حیات سیاسی رژیم بعث» است. به عبارت دیگر تا زمانی که صدام در قید حیات و زمامدار عراق است و رژیم بعث نیز دارای حاکمیت بر سرزمین عراق است، این استراتژی می‌تواند با هدف حل و فصل مسائل دوجانبه و با لحاظ کردن معادلات موجود در منطقه در دستور کار نظام قرار گیرد.